

## تحلیل امر به معروف و نهی از منکر بر پایه مستندات قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، علیرضا شجاعی<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>، سعید حبوباتی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

### چکیده

تمامی دستورات مکتب متعالی و نجات بخش اسلام برای رستگاری و سعادت‌مندی در بستر زندگانی مادی و معنوی انسان وضع شده و می‌تواند ابعاد گوناگون زندگی انسانی را پوشش دهد. یکی از موضوعاتی که شاه راه فلاح و رستگاری بشر امروز به حساب می‌آید مسأله امر به معروف و نهی از منکر است که با توجه به ابعاد زندگی اجتماعی انسان وضع شده و شارع مقدس از دید و زاویه عمومی به آن نگاه انداخته است. آیات و احادیثی زیادی یاد آور می‌شود که مسایل اعتقادی، فرهنگی و مدیریت کلان جامعه در تمامی سطوح و لایه‌ها نباید از دید آمران به معروف و ناهیان از منکر دور بماند پر واضح است در صورتی که آگاهان جامعه از این مهم غفلت نمایند کشتی نجات جوامع انسانی دچار تلاطم گردیده همه سرنشینان آن به تباهی و نابودی کشانیده خواهد شد. با توجه به اهمیت ویژه موضوع امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بلکه در تمامی جوامع بشری، نوشته حاضر تلاش نموده است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر را از منظر آیات و روایات مورد تحلیل و بررسی قرار داده و از نظر فقهی نیز وجوب آن را به اثبات برساند و با تجربه تلخ بشر امروز بعد از جنگ‌های ویرانگر و متولد شدن واژه تحت عنوان حقوق بشر ظرفیت‌های حقوق بشری مولفه امر به معروف و نهی از منکر، برای تأمین حقوق بشر در ابعاد مهم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی آن مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** فقه، حقوق، حقوق بشر، امر به معروف، نهی از منکر

## مقدمه

معروف حقیقی، روش‌ها و راه‌ها و کارهای است که ما را به قرب و رضای حق می‌رساند و از لذت بر خورداری و هم‌جواری با وجود، صفات، افعال و اخلاق خداوندی بهره‌مند می‌گرداند. منکر، روش‌ها و رفتارها و نیاتی است که قرب را بر انسان می‌بندند و ما را دچار خود بینی و خود فراموشی می‌نمایند. در این صورت نیروهای انسانی از هم پاشیده و هدر خواهد رفت. امر به معروف و نهی از منکر، بزرگترین ضرورت دین و دینداری است و از همه مهمتر اینکه انگیزه‌های بعثت پیامبران نیز این مسأله حیاتی است. اگر بساط امر به معروف و نهی از منکر از جامعه بر چیده شود و آن مهمل انگاشته شود دیانت و کرامت انسانی در جامعه نابود خواهد شد، سستی و گمراهی و جهل و فساد همه جا را فرا خواهد گرفت، کج اندیشی و رفتارهای غیر انسانی و خلاف حقوق بشری تمام سطوح ولایه‌های جامعه را فرا خواهد گرفت و رفته رفته شهرها ویران و ملت‌ها هلاک خواهند شد. منتها هلاکت دو نوع است، گاهی حیات معنوی جامعه دچار هلاکت و نابودی می‌شود که در این صورت مرگ جامعه را فقط افراد ویژه و خاص درک می‌نماید. گاهی جامعه بصورت فیزیکی دچار هلاکت می‌گردد، چنانچه قرآن کریم از هلاکت‌ها و از این نوع بلاهای بزرگ به صورت فراوان پرده برداشته است. به هر حال این موضوع را در سه بخش و یک جمع بندی مورد تجزیه و تحلیل و قرار می‌دهیم.

## ۱- امر به معروف و نهی از منکر در آیات

قبل از مطرح کردن آیات مرتبط به امر به معروف و نهی از منکر باید متذکر شویم، که در وجوب شرعی امر به معروف و نهی از منکر اختلاف نیست، تا آنجا که اجماعی و اتفاقی است. همان گونه که محقق حلی در شرایع برای اجماع آن تصریح کرده، بلکه وجوب آن به دلیل کتاب و سنت از ضروریات است. در ارتباط با فریضه امر به معروف و نهی از منکر آیات زیادی وجود دارد که در ذیل به چند تای از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

## ۱- آیه نخست

وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴) در اینجا واژه «ولتكن» در آیه مبارکه، دلالت دارد بر وجوب وجود گروهی از امت که مردمان را به خیر بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. در اینجا کسی نگوید، که آیه دلالت بر وجوب نمی‌کند چرا که واژه «معروف» نیز عام است و شامل مندوب «مستحب» هم می‌شود، پس چه گونه ممکن است که امر به مندوب واجب باشد؟ پاسخ: ظهور فعل که در «ولتكن منكم امه...» باشد، مقدم بر ظهور متعلق آن است. بنابراین، واژه «معروف» اختصاص به واجبات دارد، همانگونه که واژه «منکر» مختص محرمات است و دعوت به خیر عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر، چنین سخن شاید ظاهر آیه شریفه باشد. چنانچه شیخ انصاری (قدس سره) در مسأله استصحاب در پایان دلیل قول نهم می‌گوید: «فعل خاص» مخصص متعلق عام خود می‌شود. [انصاری، ۱۴۲۴، ۳۳۶] چنانچه در این مثال آمده است «لاتضرب احداً» در این جا ضرب قرینه است بر اختصاص عام «احداً» بر زنده‌ها و عموم «احد» که مردگان را نیز در بر می‌گیرد، نمی‌توان قرینه بر اراده مطلق از ضرب به هر چیزی مانند جمادات باشد. نتیجه سخن شیخ آن است که ظهور فعل چون «لاتضرب احداً» مقدم بر ظهور متعلق آن «احد» است، از این رو اطلاق «احد» که شامل زنده و مرده است، مقصود نیست، چراکه «لاتضرب» در ضرب و زدنی ظهور دارد که درد آور باشد و این تنها شامل زنده‌ها است. بنابراین، آیه کریمه بر وجوب دعوت به

واجبات و امر به آن و نهی از منکر دلالت خواهد کرد. با این توضیح که داده شد آیه کریمه در دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر به اخبار نیاز ندارد بلکه خود آیه بر وجوب دلالت می کند، حتی چنانکه در جامع المدارک آمده است. اگر اجماع نبود اثبات وجوب امر به معروف گرچه «مستحب» و وجوب نهی از منکر گرچه «مکروه» امکان داشت، زیرا ممکن است تنها حصول فعل و ترک مقصود نباشد (خوانساری، ۱۳۵۵، ۳۹۹).

## ۲- آیه دوم

از آیات که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد، این آیه شریفه است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران، ۱۱۰) در این آیه شریفه قرآن کریم آنگاه که سخن از امت اسلامی به میان می آورد و به تعریف و توصیف آنان می پردازد آنان را مردمان معرفی می کند که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند.

در کنز العرفان آمده است: «کان» تامه بوده و به معنی «وجدتم» است و «خیر امة» منصوب است، چون حال مقیده است در «اخرجت للناس» یعنی به سود مردم و اینکه برخی به دیگران نفع رسانید. این جمله، اجمال جمله تفصیلی بعدی «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» است، پس وجود امت مقید به خیریت بوده و خیریت مقید به امر به معروف و نهی از منکر است. مقصود این نیست که از شما کارهای امت، امر به معروف و نهی از منکر است، نه آنکه این ویژگی و صفت هم اکنون در ایشان وجود دارد، وگرنه لازم می آمد اینان در حال خواب و سکوت از امر و نهی، بهترین امت نباشند.

صاحب کنز العرفان در ادامه چند نکته سود مند را ارائه کرده و می گوید:

۱- گفته شده «تأمرون بالمعروف» جمله مستأنفه و خبر است که مقصود «امر» است؛ مانند «وَأَلْبِذِاتٌ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ» (البقرة، ۲۳۳).

۲- بنابر هر دو تقدیر، ظاهر آیه شریفه بر وجوب عینی امر و نهی دلالت دارد، چون مطلق است، نظریه صحیح تر همین است (فاضل مقداد، ۱۳۸۸، ۴۰۵-۴۰۶). مقصود از دو تقدیر این است که «تأمرون بالمعروف» جمله استینافیه یا قید «خیر امة» باشد. واضح است که آیه در مقام مدح است و دلیل مدح حال وصف مذکور «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» است. برای تحقیق بیشتر در مورد این آیه به این تفاسیر می شود مراجعه کرد (المیزان ج ۳، ۳۷۷. مجمع البیان، ج ۲، ۸۱۱. روح البیان، ج ۲، ۸۷).

اما استفاده حکم وجوبی از این آیه شریفه مشکل است؛ چه بگوییم آیه در باره کسانی است در صدر اسلام بودند؛ یعنی مهاجرین و انصار که از پیش گامان نخست اند، یا بگوییم در باره تمامی مسلمانان، از ابتدا تا انتها است و یا بگوییم آیه در باره گروهی مخصوص است. اما اینکه جمله «تأمرون بالمعروف» استینافیه باشد ثابت نشده است.

## ۳- آیه سوم

سومین آیه در مورد امر به معروف و نهی از منکر این آیه شریفه می باشد: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف، ۱۹۹) چنانچه در جامع المقاصد بدان استدلال شده است (حلی، ۱۳۷۳، ۲۰۰) صاحب مجمع البیان می نویسد: «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» یعنی به معروف «کارنیکی» که انجامش عقلاً یا شرعاً نیکو است و به نظر خرد مندان، منکر و قبیح نیست (طبرسی، ۱۳۸۰، ۵۱۲).

علامه در المیزان می نویسد: «والعرف» سنتها و سیره‌های است که نزد خردمندان جامعه به زیبایی شناخته می شود و میان آنان رواج دارد، به خلاف اعمال ناشایست و غیر مرسوم که مورد پسند جامعه نبوده و خرد جمعی آن را نمی پذیرد. بدیهی است لازمه‌ای پیروی از «امر به معروف» آن است که امر کننده به آنچه امر می کند، خود نیز عمل کند. از این رو می باید شیوه «امر» و دستور دانش نیکو و پسندیده باشد نه آنکه «تحمک آمیز» و نا پسند باشد، پس مقتضای «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» آن است که به هر «معروف و پسندیده‌ای» فرمان دهد و شیوه دستور دانش برای انجام کار نیک بوده ناپسند و زشت نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۳۹۷). نکته که باید در اینجا بدان توجه شود این است که «معروف» مختص محسنات عقلانی نیست، بلکه محسنات شرعی و عقلی را نیز در بر می گیرد و از آن رو که امر ظاهر در وجوب است مختص واجبات شرعی و عقلانی و عقلی است، بنابراین اختصاص «معروف» بدانچه که خرد مندان می شناسند، دلیلی ندارد، چنانکه تعمیم و گسترش آن به هر «مستحسن» و نیکی با ظهور امر در وجوب مناسب نیست. به هر حال امر در «وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» ظاهر در وجوب خواهد بود.

#### ۴- آیه چهارم

چهارمین آیه در مورد امر به معروف و نهی از منکر این آیه شریفه می باشد: «وَأْتَقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (الأنفال، ۲۵) و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد! در المیزان آمده است: کلام الهی این گونه معنی و تأویل می شود، که مسلمانان از کنار اموری که در امر اختلافات داخلی وحدت شان را تهدید می کند و موجب دو دستگی می شود و یگپارچگی شان را از بین می برد، به آسانی نگذرند. سپس می افزاید: این فتنه ای که گروهی خاص، یعنی ستمکاران انجام می دهند اما اثر گناه فراگیر است و همگان را در بر می گیرد و در نتیجه دچار ذلت و خواری می شوند و در اثر اختلاف میان خود، به تلخ کامی گرفتار می آیند اما همگی نزد خدا مسؤول اند، کیفر خدا سخت و شدید است.

صاحب «المیزان» پیش از این گفته است، مقتضای چنین وضعی آن است، به رغم اینکه فتنه‌ای مذکور توسط یکی از افراد قوم به پا شده اما بر همه‌ی امت است که مبادرت به دفع فتنه کرده، ریشه‌ی آنرا برکنند و شعله آتش فتنه را فرو نشانند، از طریقی که خداوند بر آنان واجب کرده، یعنی نهی از منکر و امر به معروف. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۴۸-۴۹) اما باید توجه داشت که چنین برخوردی مختص برخی منکرات اجتماعی است نه همه‌ی منکرات اجتماعی.

#### ۵- آیه پنجم

پنجمین آیه و آخرین آیه در بحث ما در مورد امر به معروف و نهی از منکر این آیه شریفه است: «فَلَوْ لَا كَانَتْ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود، ۱۱۶) در المیزان می گوید: «لولا» به معنی «هلا» «هان چرا» است و تعجب و توبیخ را می فهماند. معنی چنین است: در قرون (و اقوامی) که پیش از شما بودند و ما به عذاب و هلاکت، آنان را از بین بردیم، چرا صاحبان قدرت، یعنی قومی مانا و ماندگار نبودند که از فساد در زمین نهی و جلوگیری کنند تا از این راه در زمین اصلاح گری کرده، امت خود را از فنا و نابودی حفظ نمایند. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ۶۳)

## ۲- امر به معروف و نهی از منکر در روایات

در باب امر به معروف و نهی از منکر روایاتی زیادی وجود دارد که در اینجا به چند تای از آنها از باب نمونه اشاره می شود:

### ۱- روایت اول

یکی از روایات در باب امر به معروف و نهی از منکر معتبره سعه بن صدقه است که در «کافی» آن را روایت می کند: از علی بن ابراهیم، از هارون بن مسلم، از سعه بن صدقه از ابو عبدالله (امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: پیامبر (صل الله علیه و آله) فرموده است: «چه گونه خواهد بود زمانی که زنانان فاسد و جوانانان فاسق شوند، اما امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟ پرسیدند: ای پیامبر خدا، آیا چنین وضعی رخ خواهد داد؟ فرمود: آری و بدتر از آن خواهد شد که به منکر بخوانید و از نیکی باز دارید، پرسیدند: ای پیامبر خدا، چنین خواهد شد؟ فرمود: آری حتی بدتر از این که معروف را منکر و منکر را معروف (کلینی، ۱۳۷۲، ۶۹).

### ۲- روایت دوم

دومین روایت در مورد امر به معروف و نهی از منکر معتبره سعد بن صدقه با همان سند به نقل از (ابو عبدالله امام صادق - ع) روایت کرده است، که پیامبر (صل الله علیه و آله) فرمود: «خدای عز و جل از مؤمن ضعیف که دین ندارد ناخوشنود است پرسیدند: مؤمن که دین ندارد کیست؟ فرمود: آنکه نهی از منکر نمی کند» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۳۹۶) البته واضح است که صرف نفی دینداری، دلالت بر حرمت «ترک نهی از منکر» نمی کند، چون چنین اصطلاحی (= نفی دین) در اخلاقیات بسیار استفاده می شود شاید این تعبیر به ضمیمه واژه «لیبغض المؤمن» که در روایت آمده بر حرمت ترک نهی از منکر دلالت کند.

### ۳- روایت سوم

سومین روایت در مورد امر به معروف و نهی از منکر موثقه طلحه بن زید است که در «وسائل الشیعه» به نقل از «المحاسن» روایت شده، از پدر طلحه، از محمد بن سنان و عبدالله بن مغیره و این دو از طلحه بن زید از ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام) نقل کرده اند: «مردی از قبیله ای خثعم نزد پیامبر (صل الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، بهترین عمل در اسلام چیست؟ فرمود: ایمان به خدا، عرض کرد: بعد از آن چه چیز؟ فرمود: صلح رحم، پرسید: بعد، فرمود: امر به معروف و نهی از منکر، مرد پرسید: کدام عمل نزد خداوند بدترین است؟ فرمود: شرک به خدا، پرسید: بعد چه چیزی؟ فرمود: قطع رحم. عرض کرد: بعد از آن چه چیز؟ فرمود: امر به منکر و نهی از معروف (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۳۹۶).

### ۴- روایت چهارم

چهارمین روایت در مورد امر به معروف و نهی از منکر موثقه سکونی است: به نقل از «کافی» از علی بن ابراهیم، از پدرش، از نوفلی، از سکونی، از ابو عبدالله علیه السلام نقل می کند، که: «امیر مؤمنان» علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا (صل الله علیه و آله) به ما فرمان داد، که با گناهکاران با چهره عبوس، بر خورد کنیم» (کافی، ۵۹). شیخ کلینی به استناد محمد بن یعقوب، حدیث را روایت می کند، می گوید، امیر مؤمنان (ع) فرمود: «کمترین برخورد آن است که با چهره عبوس با گناهکاران رو یا روی شود. (عاملی، ۱۴۱۴، ۴۱۳) از روایت بر می آید چنین بر خوردی بر همگان واجب است؛ زیرا دستور و امر به کاری، و خوب انجام آن را می فهماند.

### ۵- روایت پنجم

پنجمین روایت در مورد امر به معروف و نهی از منکر، روایتی در کافی است، جمعی شیعی از سهل بن زیاد، از عبدالله بن الرحمان، از ابو نجران، از عاصم بن حمید، از ابو حمزه، از یحیی بن عقیل، از حسن، که امیر مؤمنان (ع) خطبه خواند و خدا را شکر گزارد و ثنا گفت و فرمود: اما بعد، کسانی که پیش از شما بودند هلاک شدند، چون معصیت کردند و عالمان و دانایان، آنها را از این کار باز نداشتند، آنان چون به گناه خود ادامه دادند و عالمان و دانشمندان، از گناه بازشان نداشتند، گرفتار مجازات شدند. پس امر به معروف و نهی از منکر کنید. بدانید امر به معروف و نهی از منکر، مرگ را نزدیک نکرده، رزق را نمی برد، خواست خدا از آسمان به زمین فرود می آید، همچون باریدن باران به هرکس که خدا برای او زیاد یا کم را رقم زده است. (کلینی، ۱۳۷۲، ۵۹)

### ۶- روایت ششم

ششمین روایت در مورد امر به معروف و نهی از منکر و آخرین روایت در بحث ما که نسبتاً طولانی هم است روایت در «کافی» است، به نقل از جمعی شیعی، از احمد بن محمد بن خالد از برخی شیعی، از بشر بن عبدالله، از ابو عاصم (قاضی مرو) از جابر از ابوجعفر علیهما السلام که فرمود: «در آخر الزمان گروهی خواهند زیست که میان شان عده‌ای هستند ریاکار، متظاهر به خواندن قرآن و انجام عبادت کرده، بدعت گزار و نادانند.

امر به معروف و نهی از منکر نمی نمایند مگر آنکه ایمن از ضرر و زیان باشند. برای خود عذر و بهانه می تراشند و دنباله روی لغزش و کج رویهای عالمان و عمل فاسد شان هستند، نماز و روزه تا وقتی به جای می آورند که برای جان و مالشان ضرر نداشته باشد، اما اگر نماز، به اموری که با اموال و جسمشان انجام می دهند، ضرر رساند، نماز را نمی پذیرند، چنانکه والاترین و بهترین واجبات را نپذیرفته بودند. امر به معروف و نهی از منکر، فریضه‌ی بزرگ بوده، دیگر واجبات به وسیله آن استوار می گردد.

غضب خدای عز وجل بر مردمان، در آنجا که (فریضه ترک شود) صورت می پذیرد و همگان را گرفتار عذابش می کند، پس نیکان در سرای فاجران هلاک می شوند و خرد سالان در خانه بزرگسالان (از آن رو که در برابر گناه بی اعتنا بودند). امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است؛ فریضه‌ای بزرگ می باشد که بدان واجبات بر پاشده راهها ایمن گردیده، کسب و کار واگشته، مظالم بر طرف میشود. نیز زمین آباد شده، حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می یابد.

پس با دل‌هایتان (منکر را) زشت شمردید و با زبان‌هایتان بگوئید (و از کار ناروا بازدارید) و به وسیله امر به معروف و نهی از منکر با گناهکاران رویاروی کرده و در راه خدا از سرزنش ملامتگران نهراسید. اگر پند پذیرفتند و به راه حق بازگشتند، بر آنان مجازاتی نیست. کیفر برای کسانی است که بر مردم ستم کرده، بنا حق روی زمین ظلم می کنند. برای اینان عذاب درد ناک است. در این حال با تمام وجودتان با اینان جهاد کرده، در دل، دشمن آنان باشید، اما قدرت طلب نبوده غارتگر اموال نباشید و نخواهید به ناحق پیروزی و ظفر یابید، تا آن زمان که تسلیم خواست خدا شده در راه اطاعتش سر سپرند... امام علیه السلام افزود: «خدای عز وجل به شعیب پیامبر علیه السلام وحی فرستاد که صد هزار نفر از قومت را عذاب می کنم. چهل هزار نفر از اشرار و شصت هزار نفر از نیکان را! عرض کرد: پروردگارا، اشرار که جادارد اما گناه نیکان چیست؟ خداوند وحی فرستاد: از آنرو که با معصیت کاران سازش کرده به رغم خشم من، خشمگین نگردیدند (کلینی، ۱۳۷۲، ۵۶).

### ۳- بررسی ظرفیت های حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر

یکی از روشهای تحقیق و نویسندگی، روش تحلیلی می باشد که در این روش، محقق و نویسنده بدون جمع آوری اطلاعات از منابع خاصی از طریق کتابخانه و یا مشاهدات و یا مصاحبه های علمی و... موضوع مورد نظرش را با پیش فرض های ذهنی و برداشتهای خاصی که از آن موضوع دارد بررسی و تحلیل می کند، به نظر می رسد عنوان این فصل از مقاله حاضر نیز از عناوینی باشد که به تحلیل نزدیکتر است تا تحقیق. بنابراین نویسنده نیز چند تا از ظرفیت های عمده و مهم حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر را از باب نمونه که به وضوح در این فریضه قابل مشاهده است در ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد.

#### ۱- کرامت انسان

یکی از ظرفیت های ویژه و مهم حقوق بشری در امر به معروف و نهی از منکر کرامت انسانی است؛ کرامت انسانی همان طوری که قرآن کریم به آن تأکید نموده و اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوق بشر اسلامی آن را مبنای بحث حقوق انسان و بشر قرار داده است. در فریضه امر به معروف و نهی از منکر اگر با شرایط که اسلام آن را تعیین نموده اجرا شود نه تنها در جوامع اسلامی بلکه در تمام جوامع بشری حفظ خواهد شد و نوع بشر و انسانها از طریق به اجرا گذاشتن این فریضه اسلامی به گوهر گرانبهای کرامت انسانی دست رسی پیدا خواهند کرد.

دلیل بر این مدعا چنانچه مایکل کوک مورخ و اسلام شناس غربی و نویسنده «کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» به این نکته اعتراف ویژه دارد، ایشان، بعد از مراجعه به حدود هزار و هفتصد کتاب و مقاله که بیش از هزار و سیصد مورد آن کتابهای اسلامی است و مشورت با بسیاری اسلام شناسان و مسلمانان و با بیش از دوازده سال کار مداوم و استفاده از فرصت های مطالعاتی و بورسیه های علمی موفق به نوشتن این کتاب می شود، علت نوشتن کتاب خودش را چنانچه در پیش گفتار این کتاب متذکر می شود ماجرای تجاوز به زنی می داند که در شامگاه روز پنجشنبه بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۸ در ایستگاه قطار شهری شکاگو در حضور جمعی از مردم مورد تجاوز قرار می گیرد و مردم بدون هیچگونه توجه و یا نشان دادن عکس العمل و احساس مسؤلیت نسبت به این قضیه از کنار آن به سادگی رد می شوند؛ نویسنده کتاب در عین حال که هم تجاوز به آن زن را در حضور جمعی از مردم و هم عدم احساس مسؤلیت و بی توجهی مردم را نسبت به این قضیه، رفتار خلاف حقوق انسان و بشر می داند، به اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر اعتراف کرده چنین می گوید: «آدمی نمی تواند فقط در کناری بایستد و ببیند زنی در منظر عام مورد تجاوز قرار بگیرد، ما احساس می کنیم به نوعی وظیفه داریم، علاوه بر آنکه خود به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای ناشایست نسبت به هموعان خود، بازداریم» (آلن، ۱۹۴۰، ۱۷) و در قسمت دیگر این کتاب می نویسد: «که ما در تعالیم خود، اصل یا فریضه ای که بتواند کرامت انسانها را تأمین نماید و باعث احساس مسؤلیت انسانها نسبت به هموعان، شود نداریم و فقط اسلام برای این وظیفه ای اخلاقی و بشری فریضه بنام امر به معروف و نهی از منکر دارد که من در ضمن تحقیقات اسلامی خود از آن آگاه شدم (همان، ۱۹).

نکته که در اینجا مهم به نظر می رسد و قابل دقت و واکاوی می باشد اینکه یکی از ظرفیت های حقوقی بشری فریضه-ی امر به معروف و نهی از منکر کرامت انسانی است. همان کرامت انسانی که بشریت امروز می خواهد آن را مبنا و اساس دستورالعمل های زندگی خویش قرار داده و به عنوان یک اصل و قانون در زندگی مدنی، سیاسی، اجتماعی و... از آن بهره برد. دقت در نوشته ها و اظهارات معنادار و پر محتوای انسانی در متن و بطن فریضه امر به معروف و نهی از منکر مسلمانها قرار

دارد و در تعالیم غیر مسلمانها چنین فریضه و اصل اخلاقی وجود ندارد که کرامت انسانی را در جامعه بشری تأمین کند. بنابراین اولین ظرفیت حقوق بشری فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر کرامت انسانها در جامعه‌ی بشری می باشد.

## ۲- تأمین حقوق مدنی و سیاسی

دومین ظرفیت حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر، تأمین و رعایت کردن حقوق مدنی و سیاسی شهروندان جامعه می باشد، حقوق مدنی و سیاسی شهروندان همان طوریکه در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است از مهمترین بندهای این اعلامیه می باشد. سؤالی که در این جا مطرح است اینست که چه ارتباط میان حقوق مدنی و سیاسی شهروندان و فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد تا اینکه تأمین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان در یک جامعه از ظرفیت های حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر به حساب آمده؟ در جواب این سؤال مطرح شده، باید گفت: در واقع فریضه‌ای امر به معروف و نهی از منکر همان نظارت همگانی در جامعه است که این نظارت همگانی به عهده‌ای عده‌ی خاص با شرایط خاص گذاشته شده است و در سایه‌ی همین نظارت همگانی است که حقوق مدنی و سیاسی شهروندان تأمین خواهد شد. آن هم بدون قوه مجریه حکومت و حاکمیت بلکه از طریق موعظه و نصایح اخلاقی، روی همین علت است که اسلام برای امر و ناهی، معروف و منکر شرایط و ویژگی های بالخصوص را در نظر گرفته است که باید امر و ناهی، معروف و منکر، نخست معروف و منکر را بشناسد (یعنی حلال و حرام را بشناسد آنچه دیگران را به آن امر می کند خود آن را انجام بدهد و آنچه دیگران را از آن نهی می کند خود مرتکب آن نشود) خود در راستای آداب اسلامی الگو و نمونه باشد دامها و وسوسه های شیطان را بشناسد. خود نیز همواره در صدد تکمیل و احیایی خود باشد. زمان را درک و جایگاه رفتار و گفتار خود را به نیکی درک نماید و با عشق به دین و دوست داشتن بندگان خدا و نوع بشر، آنها را راهنمایی نماید.

اگر این ویژگی‌های امر به معروف و ناهی، معروف و منکر تعیین نموده در آنها موجود باشد بدون تردید حقوق مدنی و سیاسی شهروندان نیز توسط راهنمایی و نصایح اخلاقی آنها تأمین خواهد شد. در نتیجه تأمین حقوق مدنی و سیاسی شهروندان نه تنها در جامعه اسلامی بلکه در تمام جوامع بشری یکی از ظرفیت های حقوق بشری فریضه‌ای امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

## ۳- تأمین حقوق فرهنگی و اقتصادی

سومین ظرفیت حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر تأمین حقوق فرهنگی و اقتصادی افراد جامعه می باشد. حقوق فرهنگی و اقتصادی همانطوری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است از جمله حقوق است که اسلام نیز آن را به رسمیت شناخته و برای تأمین آن راهکارهای از قبیل وجوب خمس و زکات و پراخت مالیات (نظام مالیاتی) ارائه نموده است. اسلام برای اینکه فاصله طبقاتی را در جامعه کاهش داده و با آن مبارزه کند تا اینکه عده‌ای از شکم سیری نترکد و عده‌ای دیگر از گرسنگی نمیرد راهکارهای مزبور را به عنوان بهترین شیوه‌ی زندگی فرهنگی و اقتصادی افراد جامعه انتخاب نموده و آن را واجب و ضروری می داند.

نکته که در اینجا ذکرش مهم است و بدان توجه شود اینکه چه ارتباط میان فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و این حقوق وجود دارد تا اینکه تأمین این حقوق یکی از ظرفیت‌های این فریضه به حساب آید؟ در جواب این نکته مطرح شده، باید گفت که فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یک از فرایض است با دامنه‌ی وسیع که امر و ناهی آن در ضمن ویژگی‌های امر به معروف و نهی از منکر، باید زمان شناس و جهان شناس باشند که



بتوانند ریشه‌ی این حقوق را از متون اسلامی بیرون آورده و در قالب فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر برای اقشار جامعه عرضه دارد و از این طریق تمامی افراد جامعه را به حقوق‌شان آگاه نموده و ثروت‌مندان جامعه را متوجه و وظایفشان در قبال محرومین و محرومین را متوجه حقوق عزت‌مندان‌هی که بدوش ثروت‌مندان دارند نموده و دستورات دین مبین اسلام را در این زمینه از طریق وعظ و نصایح اخلاقی برای افراد جامعه برساند. تا در نتیجه، زمینه‌ی زندگی کردن آبرومندان و عزت‌مندان‌هی فقرا و محرومین جامعه در کنار ثروت‌مندان فراهم شود و لذا می‌توان گفت که قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسلام به این نوع حقوق توجه بیشتر داشته چنانچه در متون اسلامی از این نوع حقوق زیاد به چشم می‌خورد و خیلی شایسته و مناسب خواهد بود که از راه اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر توسط اندیشمندان زمان شناس، افراد جامعه از این نوع حقوق خودشان آگاهی حاصل نمایند.

بنابراین از این منظر یکی از ظرفیت حقوق بشری امر به معروف و نهی از منکر تأمین حقوق فرهنگی و اقتصادی در جامعه می‌باشد، چیزی که اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان تأکید دارد. این بود ظرفیت‌های عمده و مهم حقوق بشری فریضه-ی امر به معروف و نهی از منکر که مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. اگر ذکر تمامی آنها از حوصله این مقاله بیرون است و فقط عمده‌ترین و مهمترین از آنها که به نظر می‌رسید خدمت‌خوانندگان عزیز این مقاله تقدیم گردید.

## نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق گفته آمد روشن می‌شود که فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر همانطوریکه از منظر قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین (ع) مورد تأکید و اهمیت خاص دارد تا آنجا که بعضی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) در این باب بر وجود آن دلالت دارد و بسیاری از اندیشمندان و علمای اسلام نیز بر وجود آن قائل هستند. این فریضه علاوه بر اهمیت ویژه و خاص که در دین مبین اسلام و جامعه اسلامی دارد فراتر از آن یعنی در تمام جامعه بشری از ظرفیت‌های مختلف و گوناگون برخوردار است که تمامی آن ظرفیت‌ها مورد نیاز بشر امروز در عصر جدید می‌باشد و در ابعاد گوناگون زندگی بشر امروز کاربرد دارد.

که از جمله‌ی آن ظرفیت‌های ویژه و مهم، ظرفیت حقوق بشری این فریضه می‌باشد که در این تحقیق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. امید است تحقیق پیش رو با همه‌ی کاستی‌هایش برای اهل قلم و اندیشه مورد قبول واقع شود و از قلم به‌دستان در این عرصه انتظار می‌رود که دیگر ظرفیت‌های بشری این فریضه را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد و چون ختم این مقاله با اولین روز ماه محرم و ایام سوگواری ابا عبدالله الحسین (ع) همزمان شده است با ذکر حدیث حماسی از آن امام بزرگوار در باب امر به معروف و نهی از منکر این مقاله رابه پایان می‌بریم؛ که می‌فرمایند: «انی لم اخرج اشرا ولا بطرا و لا مفسدا ولا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امتی جدی (صل الله علیه و آله) ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی‌علی بن ابی‌طالب (ع) (مجلسی، ۲۴۰۳، ۳۲۹).

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آلن، کوک مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه‌ی اسلامی، مترجم: احمد نمایی، چاپ ۱۴ ج ۱ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی؛ ۱۳۸۶.
۲. انصاری، مرتضی، رسائل، ج ۲ چاپ قدیم، قم: مجمع الفکر الاسلامی؛ ۱۴۲۴.
۳. حلی، حسن علامه، جامع المقاصد؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۳.
۴. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، تعلیقه علی اکبر غفاری؛ تهران: مکتبه صدوق، ۱۳۵۵.
۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان؛ ۱۳۹۲.
۶. طبرسی، حسن، مجمع البیان، ترجمه علی کریمی؛ تهران، ۱۳۸۰.
۷. عاملی، حر، وسایل الشیعه، ج ۱۱ قم: مؤسسه آل البيت (ع) ۱۴۱۴.
۸. کلینی، ثقة الاسلام، اصول کافی، ترجمه و شرح محمد باقر کوه کمره/ی؛ بی جا: اسوه؛ ۱۳۷۲.
۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار؛ ج ۴۴ چاپ ۳ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی ۱۴۰۴.
۱۰. مقداد، فاضل، کنز العرفان، ترجمه و تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی ج ۱ قم: نوید اسلام؛ ۱۳۸۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی